

بیانیه

بسم الله الرحمن الرحيم

کمیسیون ویژه بررسی مسأله جاسوسان آمریکائی بر اساس رهنمودهای امام پیشنهاد  
زیرا تقدیم مجلس شورای اسلامی مینماید .

۱- از آنجا که دولت آمریکا در گذشته همواره در مورد داخلی کشور ایران دخالت‌های  
گوناگون سیاسی و نظامی کرده است لهذا باید تعهد و تضمین نماید که از این پس هیچگونه  
دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران ننماید .

۲- آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما و در اختیار قرار دادن این سرمایه‌ها و کلیه اموال  
و دارائیهای ایران که در آمریکا و موسسات متعلق بدولت یا اتباع آمریکا در سایر کشورهاست  
بمنحوی که دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند بهر کیفیتی که بخواهد از آن استفاده کند و دستور  
۲۳ آبان ۱۳۵۸ رئیس‌جمهور آمریکا دستورات پس از آن مبنی بر انسداد دارائیهای ایران  
گان لم یکن اعلام گردد و بازگشت بشرایط عادی روز قبل از ۲۳ بان در مورد کلیه روابط مالی  
فیما بین و رفع هرگونه اثرات ناشی از این دستور از قبیل تهارت‌های انجام شده و انجام کلیه  
اقدامات لازم حقوقی و اداری از طرف رئیس‌جمهوری آمریکا جهت ابطال و انقائ احکام توقیف  
صادر از طرف دادسراها و دادگاههای آمریکا و تضمین امنیت و تحرک و انتقال آزاد این دارائیها  
در قبال هرگونه اقدام اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکائی و غیرا آمریکائی در کشور آمریکا .

۳- لغو و ابطال کلیه تصویبات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران و  
انجام کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم جهت لغو و ابطال تمامی دعاوی و ادعاهای دولت آمریکا  
و موسسات و شرکت‌های آمریکائی علیه ایران بهر صورت و بهر عنوان و انجام کلیه اقدامات اداری و  
حقوقی لازم جهت عدم طرح هر نوع دعوی حقوقی یا جزائی و مالی جدید از طرف اشخاص  
حقیقی و حقوقی رسمی و غیررسمی دولت آمریکا و موسسات و شرکت‌های آمریکائی و چنانچه هرگونه  
ادعائی علیه ایران و اتباع ایرانی در هر یک از دادگاهها در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و  
تصرف مرکز توطئه آمریکا و دستگیرشدگان در آن مطرح شود و رای به محکومیت ایران و یا اتباع  
ایرانی صادر شود دولت آمریکا متعهد و ضامن است پاسخگویی باشد و متعهد و ضامن است که  
غرامت و خسارت ناشی از آن را بپردازد .

۴- بازپس دادن اموال شامعدوم با برسمیت شناختن و نافذ دانستن اقدام دولت ایران  
در اعمال حاکمیت خود مبنی بر معادله اموال شامعدوم و بستگان نزدیک وی که طبق قوانین ایران  
اموالشان متعلق بمملکت ایران است و صدور حکم رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر شناسائی و توقیف  
این اموال و عمل آوردن کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم برای انتقال کلیه این اموال و دارائیها  
به ایران .

جلسه

بر اساس این پیشنهاد دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انجام کلیه شرایط فوق توسط دولت آمریکا تمامی پنجاه مرد و مجرم آمریکائی را آزاد خواهد کرد و در صورتیکه انجام بعضی از شرایط فوق نیاز به زمان بیشتری داشته باشد یا قبول کلیه شرایط از طرف دولت آمریکا در برابر انجام هر شرط تعدادی از مجرمین به تشخیص دولت جمهوری اسلامی ایران آزاد خواهد شد. دولت موظف است پیشنهاد مذکور را برای اعلام به دولت آمریکا و اجرای آن به دو زبان فارسی و انگلیسی تهیه کند که در موارد اختلاف، اصل، نسخه فارسی خواهد بود.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است پیشنهاد فوق را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با توجه به استقلال اسلامی و سیاست کلی نه شرقی نه غربی به مرحله اجرا در آورد و در صورتیکه دولت آمریکا به تمام یا بعضی از شرایط مذکور تسلیم نگردد دستگاه قضائی حسب وظیفه مقرر خود با انجام وظایف و کيفر مجرمین خواهد پرداخت.

گزارش فوق در جلسه پانزدهم آبانماه یکهزار و سیصد و پنجاه و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی  
۱۳۵۸/۱۰/۱۵

عصر جلسه شورای مرکزی حزب بود. خواندن مواضع، اخبار، نماز، گزارش کار تبلیغات، بودجه حزب و وام پنج میلیون تومانی از صندوقها و بحث درموضع حزب در مقابل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مطرح بود. شب به خانه آمدم. بچه‌ها همگی جمع بودند و با بلژیک تلفنی صحبت کرده بودند. خبر دادند که محسن صبح روز چهارشنبه وارد تهران می‌شود. خوشحال شدم. محسن دو سال است که در بلژیک درس می‌خواند. دانشجوی مهندسی مکانیک است.

دوشنبه ۲۳ آذر

۱۷ صفر - ۱۴ صامیر

با اینکه کمیسیون آئین نامه داشتیم، امروز صبح به مجلس رفتم. قرار بود با امام ملاقات کنم. کارها را با تلفن انجام دادم. احمد آقا اطلاع داد که روحانیون کرمان به زیارت امام برای گرفتن تأیید امام، جهت ادامه امامت جمعه آقای جعفری آمده‌اند. آقای جعفری امام جمعه کرمان چند روز پیش به دنبال اختلاف با سران نهادهای انقلاب، از امامت جمعه استعفاء داده‌اند و شروع کار را مشروط به تأیید شخص امام کرده‌اند؛ به خاطر مراعات حال مخالفان ایشان و هم به خاطر شیوه اقدام ایشان، امام به درخواست آقایان جواب روشنی نداده و خواسته بودند که من دخالت کنم و مصالحه شود.

با آقایان در دفتر امام، مذاکره کردم. قرار شد سران مخالف از کرمان بیایند و توافق کنیم. سپس دفتر امام اعلان نماید. با امام ملاقات کردم. درباره جنگ، عضویت اعضاء احزاب در سپاه، اینکه معاد از اصول دین است یا خیر و کیفیت و علت کفر منکر آن مذاکره کردم. ناهار را در خانه ماندم.

بعد از ظهر به خاطر قرارهای ملاقاتی که در مجلس داشتم به مجلس آمدم. مهندس غرضی وزیر نفت و معاونان‌شان آمدند و گزارشی از وضع وزارت نفت و کنفرانس اوپک دادند. سفیر نیجریه آمد، گفت اکثریت مردم نیجریه، ۶۰ درصد، مسلمانند. با زبان انگلیسی صحبت می‌کنند و با حروف لاتین می‌نویسند. پیشنهاد کردم برای رسمی کردن حروف عربی

و زبان عربی تلاش کنند. عده‌ای از سیاسی‌ایدئولوژی ارتش آمدند و از آقای صفائی گله داشتند. آقای رضائی از جبهه تلفن کرد و گزارش جبهه را داد. کمی اثر ضعف و احتیاط در اظهاراتش بود. طرح گیلان غرب هم ۶۰ درصد موفق بوده. راجع به انتخاب امام جمعه برای شیراز هم با شیرازیان و احمد آقا صحبت کردم.

سه شنبه ۲۴ آذر

۱۸ صفر - ۱۵ صامبر

شب در مجلس خوابیده بودم، اول وقت مشغول کار شدم. جلسه علنی در ساعت هشت و نیم تشکیل شد. بحث درباره دو وزیر جدید کابینه، آقایان دکتر اعلی اکبر اولایتی برای وزارت خارجه و اعلی اکبر اناطق نوری برای وزارت کشور مطرح بود. من به عنوان موافق ثبت نام کردم؛ مخالفی جز دو نفر نبود. حرفی هم نداشتند. نخست وزیر هم صحبت کرد، رأی خوبی آوردند. آقای ناطق ۱۷۶ رأی از ۱۸۶ رأی و آقای ولایتی ۱۵۵ رأی از ۱۸۶ رأی. پیش از دستور، درباره رأی پارلمان اسرائیل به الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل، ارزان شدن قیمت نفت توسط عربستان سعودی، (۷۰ سنت برای هر بشکه) و ام دو میلیارد دلاری کویت به عراق صحبت کردم!

بلافاصله بعد از جلسه، در ساعت دوازده و نیم، جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد و برنامه هفته آینده را تنظیم کردیم. علما، نهادها و نمایندگان استان کرمان، در دفتر من جمع شدند و با دو ساعت بحث و بررسی توافق شد و قرار شد که آقای جعفری نماز جمعه اقامه نمایند.

ساعت چهار و نیم، دادستان انقلاب رشت آقای کریمی و جمعی دیگر آمدند و از استاندار و امام جمعه شکایت داشتند؛ البته آنها هم از افرات کاری اینها شکایت دارند و اینها از محافظه کاری آنها. از ضرورت برخورد قاطع در مورد تروریستهای جنگل گفتند.

آقای اسیدرضا از زواره‌ای آمد و از اینکه دو برادرش بازداشت شده‌اند، نگران بود و اتهام را ناروا می‌داند. حکمی برای رفتن دو نفر به خرامه شیراز برای رسیدگی به اختلاف امام جمعه و

نماینده مجلس صادر کردم. حکمی برای اعزام دو نفر به کهگیلویه، برای رسیدگی به اختلاف بین نماینده مجلس و سپاه.

قرار بود، در جلسه شورای اقتصاد شرکت کنم که موفق نشدم. یکی از کارمندان مجلس را به اتهام همکاری با تروریستها گرفته‌اند که خانمش آمده بود و گریه می‌کرد. قرار شد رسیدگی کنم. شب به خانه آمدم. اشرف خانم، شوهرش و حمید لاهوتی مهمان بودند. حمید لاهوتی همسر فائزه| به عنوان پزشک، دوره سربازیش را در ارتش می‌گذراند.

چهارشنبه ۲۵ آذر

۱۹ صفر - ۱۶ صامیر

امروز فرزندم محسن که در بلژیک دانشجوی است، برای دیدار به ایران آمد. نزدیک دو سال است او را ندیده‌ام. صبح زود عفت و بچه‌ها برای استقبالش به فرودگاه رفتند و ساعت ده صبح به منزل رسیدند. امام هم ملاقات دارند، کوچه شلوغ است. محسن از فعالیت انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در بلژیک و فعالیتهای ضدانقلاب و نفوذ آنها در سفارتخانه و پخش شدن اسرار سفارت توسط آنها و تقاضای دانشجویان، برای پاکسازی سفارت گفت و از اینکه رسانه‌های گروهی غرب، افکار عمومی مردم اروپا را به انقلاب اسلامی بد بین کرده‌اند. نامه‌ای در این خصوص از انجمن آورده. از اینکه محسن، در صراط مستقیم فعالیت دارد، خوشحالم. متأسفانه دشمنان او را شناخته‌اند و باید فکری کرد.

از جبهه، آقای صیاد شیرازی تلفن کرد و گفت امروز صبح، عملیات موفقی داشته‌اند که تلفات فراوانی به دشمن وارد شده و گفت دشمن تحرکی ندارد. تمام وقت در خانه ماندم. بستگان به دیدن محسن آمدند. احمد آقا درباره امام جمعه شیراز مشورت کرد و بالاخره آقای [محمد] یزدی، نایب رئیس مجلس را به طور موقت نصب کردند.

از اخبار مهم بین‌المللی، حکومت نظامی لبنان و انضمام تپه‌های جولان به اسرائیل است و سازمان ملل با ۱۴۱ رأی موافق و ۳۰ رأی ممتنع و یک رأی مخالف، اسرائیل را محکوم کرده. استاد علی داودی از نوق آمد و حاجیه والده پسته برای ما فرستاده. شام را جمعی، مهمان



مهندس محسن هاشمی

ما بودند.

پنجشنبه ۲۶ آذر

۲۰ صفر - ۱۷ دی ماه

امروز تعطیل عمومی بود. پیش از ظهر، تمام وقت در منزل بودم. مقداری درحیاط منزل، قدم زدم و قدری مطالعه کردم. بستگان هم که برای دیدار محسن آمده بودند، مهمان بودند. نهار عفت و بچه‌ها به منزل آقای متیمی رفتند و محسن به منزل عمویش و من و بعضی از میهمانان در خانه ماندیم. آبگوشت داشتیم. فن کوئیل‌های خانه عیب کرده و هوا سرد شده. دو نفر از رجال شمیران به ملاقات من آمدند.

بعد از ظهر به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. نماز مغرب را آنجا خواندم و با آقای خامنه‌ای، درباره‌ی پاره‌ای از مسائل جاری کشور، منجمله سیاسی ایدئولوژی ارتش، برنامه‌ی اتمی شاه که لغو شده، بودجه کشور، ارز خارجی و چیزهای دیگر صحبت کردیم. ایشان دستش درد دارد و ناراحتشان می‌کند.

اول شب، به اقامتگاه آقای موسوی اردبیلی رفتیم. جلسه‌ی مشاوره‌ی هفتگی بود. آقای خامنه‌ای، نخست وزیر و احمد آقا هم بودند. درباره‌ی دستگیری اعضای نهضت آزادیبخش بحرین و ادعای ارتباط آنها با ایران و اخراج سفیر ایران در بحرین و موج محکومیت ایران توسط دولتهای عرب بحث کردیم؛ معلوم شد اگر بخواهیم به موجب قانون اساسی، از نهضت‌های آزادیبخش حمایت کنیم چنین پیشامدهایی اجتناب ناپذیر است، ولی قرار شد دولت کنترل دقیقی داشته باشد و مثل امروز واحد نهضت‌های سپاه، فعال مایشاء نباشد که بدون توجه به سیاست دولت، مسأله سازی شود و رابطه خوب با کشورهای اسلامی، مورد توجه باشد.

آقای امیرحسین موسوی، گزارش از برنامه مبارزه با تروریست‌های جنگل دادند. بخشی درباره‌ی گران‌تر خریدن برنج از شالیکاران شمال شد و قرار شد اگر اقدامات جدید وزیر مشاور، مؤثر نشد دو تومان به نرخ خرید، در هر کیلو اضافه شود و برنج اعلاء را هم ۲۱ تومان بخریم. آخر شب به خانه آمدم و اخبار شب راز شبکه دوم گوش دادم. امروز خبر مهمی نداشتیم. ضد

حمله عراق در ارتفاعات شیاکوه - که اخیراً تصرف شده - دفع شده است.

جمعه ۲۷ آذر

۲۱ صفر - ۱۸ دسامبر

پیش از ظهر در منزل بودم. مطالعه و کارهای معمولی. ظهر برای اقامه نماز جمعه، به دانشگاه رفتم. خطبه‌ای در آثار ابلاغ پیام خون امام حسین (علیه السلام) توسط زینب (س) و کاروان اسراء، به مناسبت اربعین داشتم<sup>۱</sup> و خطبه‌ای هم در رابطه با الحاق بلندیهای جولان به اسرائیل و پائین آمدن قیمت نفت توسط سعودی و کویت و تبلیغات دشمنان علیه ایران با سوژه کشف گروه براندازی در بحرین و ادعای کشتن اسرای عراقی و پیروزیهای ایران؛ صدام بعد از این پیروزیها بیشترم از صلح می‌زند. گویا مایوس شده است.

سخنران قبل از خطبه‌ها، آقای ناطق نوری بود که به نازکی وزیر کشور شده‌است. آقای ولایتی وزیر خارجه هم در نماز جمعه قم صحبت می‌کرد. بعد از ظهر احمد آقا آمد و درباره اشکالات سیاست هجوم به دولتهای دیگر از طرف رسانه‌ها و شخصتهای ما، حرف داشت و می‌گفت امام هم این شیوه رانمی‌پسندند و معتقد بود که این شیوه، مانع حرکت سازندگی کشور است و دردراز مدت، ملت را از دولت جدا می‌کند. باید روابط را اصلاح کرد و در محیطی آرام، مشغول سازندگی و رفع کمبودها شد. قرار شد، فردا برای بررسی این مطلب، جلسه‌ای از سران کشور داشته باشیم. برنامه‌های تلویزیون، تقریباً خالی بود. بیشتر مراسم نماز جمعه‌ها و مراسم وحدت فیضیه و دانشگاه [بود]. محسن به منزل دوستانش رفته بود. دیر آمد و عفت دچار نگرانی شده بود و من را ناراحت کرد. تا ساعت دوازده به همین جهت با ناراحتی بیدار ماندیم. به خاطر ناامنی‌های جاری با تلفن او را پیدا کردیم و به منزل آوردیم. خبر مهمی در جبهه‌ها و حرکت ضدانقلاب نداشتیم.

۱ - کتاب 'هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول ۱۳۶۰'.



شنبه ۲۸ آذر

۲۲ صفر - ۱۹ صابری

به مجلس رفتم. سه روز گذشته، به مجلس نرفته بودم و گزارشهای فراوانی جمع شده بود. کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را مطالعه کردم. مراجعات زیادی هم از طرف نمایندگان، در کارهای شخصی و عمومی بود.

ظهر آقایان خامنه‌ای، موسوی اردبیلی، احمد آقا و ولایتی ناهار را در مجلس، برای مذاکره درباره سیاست خارجی و کیفیت برخورد با دولتها و نهضتها، مهمان من بودند. غذای مجلس عدس پلو بود، بدون خورش و مقداری مرغ هم از رستوران بیرون گرفتیم. پس از بحث طولانی، تصمیم گرفتیم، افرادی را مأمور کنیم که به طور غیر رسمی، با حکام خلیج فارس منجمه عربستان وارد مذاکره شوند و به آنها اعتماد دهند و برای این منظور قرار شد، آقای شمس اردکانی سفیر ما در کویت، برای مشورت احضار شود. در مورد عملکرد نهضتهای آزادیبخش هم، کنترلی به وجود آید که هماهنگ با سیاست دولت باشند.

عصر، آقایان سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضائی از جبهه آمدند، وضع جبهه‌ها را گزارش دادند. در گیلان غرب، پس از چند روز درگیری، حدود سیصد نفر شهید داده‌ایم و پنجاه درصد هدف را به دست آورده‌ایم و برنامه آینده را گفتند. گرفتن شهرک کوچک عراق در مرز و حمله وسیع به عراق در جنوب در آینده نسبتاً دور.

صیاد، طرفدار سرعت در حمله بود، ولی سپاه مخالف عجله بود. برای اولین بار، فرمانده ارتشی را از سپاه انقلابیتر می‌بینم. سپاه به خاطر شهدای زیادش در حمله گذشته، محتاط شده و معتقد شده تا افراد را کاملاً تعلیم نداده، وارد جنگ نشود. شب در جلسه شورای عالی دفاع شرکت نکردم و برای انجام کارهای معوق، در مجلس خوابیدم

یکشنبه ۲۹ آذر

۲۳ صفر - ۲۰ صابری

پس از نماز مشغول کار شدم. آقای امرتضی الویری آمد و صبحانه را با من خورد و صورتی از مصوبات مجلس را که دولت، مکلف به انجام آنها بوده و انجام نداده، آورد که قبل از دستور،



سرهنګ صباد شیرازی فرمانده بیروی زمیسی ارتش جمهوری اسلامی ایران



محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به دولت درباره آنها تذکر دادم و اخطار نمودم. در مجلس چند لایحه تصویب شد. لایحه مهمی در دستور نداشتیم. ظهر، چند نفر از خارج مجلس و چند نفر از نمایندگان، تا ساعت دو بعد از ظهر، برای کارها مراجعه کردند.

آقای محمد مجتهد شبستری از فشار دانشجویان، برای دخالت بیشتر حوزه در برنامه‌های دانشگاه، نگران بود و تذکر می‌داد. بعد از ظهر، پس از استراحت، در جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم و قبل از جلسه، با آقای خامنه‌ای درباره مسائل خصوصی‌تر، مذاکره کردم. ایشان درباره یکی از کارکنان کاخ ریاست جمهوری، تردید کرده بود. دو چاشنی بمب در کشوی میز او دیده شده. راجع به مسائل سبزوار، ارتش و شورای حزب هم صحبت کردیم. پس از اخبار و نماز درباره برنامه‌های آینده شورا و جلسه مشترک با شورای مرکزی مجاهدین انقلاب اسلامی بحث کردیم. شب به خانه آمدم. شام آقای شیخ حسین هاشمیان، مهمان ما بود و اخبار را از تلویزیون کانال دوم گرفتم. امروز خبر مهمی نداشتیم. امروز با وزارت بازرگانی مذاکره کردم و زمینه قرارداد وسیعی، در زمینه صادرات فرش و پسته و... خرید نیازها فراهم شد. نواقصی در کار مسئولان وزارت خارجه به چشم می‌خورد، بایستی تعقیب شود.

دوشنبه ۳۰ آذر

۲۴ صفر - ۲۱ سامبر

کمیسیون آئین نامه داشتیم. در کمیسیون، بحث کیفیت تعقیب و کیفر نمایندگان مجلس، مطرح بود که در قانون اساسی مصونیت پارلمانی ندارند، ولی نوعی اطمینان خاطر، مطرح است. ساعت یازده، برای شرکت در جلسه شورای نگهبان، کمیسیون را ترک کردم. شورای نگهبان، اعتراضاتی به لایحه اراضی شهری دارند، ضرورت رامی‌گویند، برای هر شهر و منطقه‌ای جداگانه باید تشخیص داد، نه یکباره برای همه جا و روی قیمت گذاری دولت، حرف دارند. با آنها بحث کردم. کمی مؤثر افتاد، ولی تمام نشد. ناهار را با آنها خوردم و درباره اینکه استخدام هر متخصص خارجی ولو طبیب و... نباید نیاز به تصویب مجلس داشته

باشد، در تفسیر قانون اساسی بحث کردیم.

برای استراحت، به مجلس آمدم. ساعت سه و نیم بعد از ظهر، در جلسه گروه پارلمانی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. ساعت چهار و نیم آقای عسکراولادی و دوستانش آمدند. درباره هیأت‌های مؤتلفه و نیروهای مسلح مربوط به آن و رابطه آنها با حزب، بحث و مشاورت داشتند و از کار آینده. آقای قدیریان مسئول مبارزه با مواد مخدر و آقای ابوالفضل حیدری، مطالب زیادی از وضع زندان اوین گفتند.

مسئولان خدمت پشت جبهه جهاد سازندگی آمدند و آماری از خدمات جهاد در جنگ، از قیل ایجاد سنگر، راه و تعمیر ماشین و... گفتند. نمایندگان صلیب سرخ آمدند و از محدودیت جدی که برای آنها، جهت دیدار با اسرای عراقی به وجود آمده، شکایت داشتند. نمی‌توانند، بدون حضور شاهد ایرانی با آنها ملاقات کنند. گفتم مسئولان ما می‌گویند، افراد شما جاسوسی می‌کنند؛ منکر بودند ولی جا خوردند، قرار شد مذاکره کنیم. شب در مجلس خوابیدم.



---

دی ۱۳۶۰



سه شنبه ۱ دی

۲۵ صفر - ۲۲ صامبر

پس از نماز، مشغول کار شدم. ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. چند لایحه از تصویب گذشت. آقای مهندس [محمد] غرضی، گزارشی از وضع وزارت نفت، در اسراف و تبذیرهای آنجا داد. نیاز به اصلاحات فراوان دارد؛ مخصوصاً امتیازات بی جا و تبعیض آمیز کارکنان آنها. پیش و بعد از جلسه، نمایندگان برای کارهای خود مراجعه کردند.

ظهر، مسئولان دانشگاههای اصفهان آمدند و مطالبی راجع به پزشکی و تسریع ادغام دانشکده‌های پزشکی در وزارت بهداشت داشتند. گروهی که به سرپرستی آقای قدرت الله نجفی نماینده شهرضا، برای رسیدگی به وضع محرومان هرمزگان و جزایر خلیج فارس رفته بودند، گزارشی از نیازهای مردم آنجا داشتند و آمادگی نیروهای جهاد اصفهان را برای رفتن به آنجا و کمک به آنها اعلان داشتند و کمک مالی می خواستند. با آقای نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد بودجه در اختیارشان بگذارند. شب را در مجلس ماندم و گزارشها را مطالعه کردم و مقدماتی هم برای درس مواضع حزب، مطالعه نمودم.

چهارشنبه ۲ دی

۲۶ صفر - ۲۳ صامبر

پس از نماز، مشغول کار شدم. آقای اسیدرضا زوارهای آمد و مطالبی داشت. در جلسه علنی امروز، لایحه شرایط قضات در دستور بود. نواقص زیادی داشت، آقای ربانی املشی دادستان کل کشور از من خواست، برای رفع نواقص کمک کنم. شور دوم بود. با چند پیشنهاد حذف، اصلاحات به عمل آمد و چند لایحه دیگر تصویب شد.

ظهر، فرماندار اسلام آباد غرب آمد و می خواست که از مسئولان سطح بالا، برای سرزدن به آن منطقه، به آنجا بروند. بعد از ظهر هیأت رئیسه جلسه داشت. برنامه هفته بعد معین شد. به کارهای اداری مجلس، رسیدگی کردیم.

اول شب در دفتر رئیس جمعیور جلسه مشورتی داشتیم، با حضور آقای نخست وزیر، احمدآقا، رئیس دیوان عالی کشور؛ درباره پیشنهاد نیروی دریایی مبنی بر توقیف کشتیهای



حامل اسلحه برای عراق از طریق شیخ نشینهای خلیج فارس بحث کردیم. بنا شد قبل از مذاکره با این دولت‌ها، اقدام نشود. با آقای شمس‌اردکانی سفیر ایران در کویت صحبت کردم که برای مشورت در رابطه با گشایش باب مذاکره با دولت‌های خلیج فارس به ایران بیاید. درباره کیفیت رفتار با زندانیان و محاکمه ضدانقلاب هم بحث شد، قرار شد جلسه‌ای در هفته آینده، با مجریان داشته باشیم؛ در جهت تعدیل رفتار با آنها. شام را با چلوکباب، مهمان آقای خامنه‌ای بودیم و ساعت ده شب به خانه آمدم. شب، آقای (محسن) رضائی تلفن کرد و اطلاع داد که ارتش عراق از شمال رودنیسان، عقب نشسته یا ترسیده‌اند و یا نقشه‌ای دارند.

پنجشنبه ۳ دی

۲۷ صفر - ۲۲ صاببر

امروز، تا بعد از ظهر در خانه ماندم. آقای (محمد محمدی) ری‌شهری، پیش از ظهر به ملاقات آمد و گزارشی از پرونده "کوچک دهقان" معاون لجستیکی، در رابطه با اتهام جاسوسی و فساد در خریدها داد و گزارشی از توطئه یکی از شخصیت‌های منزوی شده و رابطه او با آمریکا و پول‌های زیادی که دارد و رابطه‌اش با بعضی از علما و چیزهای دیگر. ناهار، عفت بزقرمه درست کرده بود. غذای محلی خوبی است؛ از کشک و گوشت درست می‌شود. عصر با عفت، فاطمی، مهدی و یاسر به مجلس رفتیم. کلاس مواضع داشتم، درباره ادله "قیامت در قرآن" صحبت کردم<sup>۱</sup>. بعد از نماز مغرب مصاحبه تلویزیونی طولانی برای ۲۲ بهمن داشتم و مصاحبه‌ای کوتاه در توضیح کلام امام که فرموده‌اند: «جنگ برای ما نعمت است»<sup>۲</sup>. گروهی از علما و ائمه جمعه و جماعت اهل سنت، از سیستان و بلوچستان به ملاقاتم آمدند و تقاضاهائی داشتند؛ منجمله رفع فقر منطقه، منع کارهای افراطی غیر قانونی، مدرسه عالی برای طلاب اهل سنت، تعمیر مساجد، تدریس فقه حنفی به دانش آموزان سنی و...

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

که خواسته‌هایشان را عادلانه یافتیم.

سپس، گروهی از جوانان انقلابی و مسئولان نهادهای مازندران آمدند و تقاضاهایی برای قاطعیت در طرح برنج، جلوگیری از تبدیل شالیزارها به باغ، واگذاری طرحهای جنگل به جهاد و توسعه تدریس ایدئولوژی اسلامی و... داشتند. ساعت ده شب به خانه آمدم. بچه‌ها در مجلس شام خورده بودند و من در منزل حاضری خوردم.

جمعه ۴ دی

۲۸ صفر - ۲۵ صعبیر

پس از نماز صبح، مقداری درباره تاریخ پیغمبر (ﷺ) برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. ساعت ده ونیم، به دانشگاه رفتم. آقای اکبرپورورش سخنران پیش از خطبه‌ها بود و قطعنامه راهپیمایی رحلت پیغمبر (ﷺ) خوانده شد و من دو خطبه را درباره حضرت محمد (ﷺ) و امام حسن (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) و وجوه اشتراک صدر اسلام با نهضت و انقلاب اسلامی جاری و خطبه عربی را درباره فرصت مناسبی که انقلاب اسلامی، در اختیار جهان اسلام و عرب گذاشته و کفران این نعمت، از طرف بعضی از دول عرب ایراد کردم.<sup>۱</sup> ساعت دو بعد از ظهر به خانه رسیدم.

پس از ناهار و استراحت، از تلویزیون سؤال کردند که آیا اظهاراتی که در خطبه علیه معاویه در رابطه با شهادت امام حسن (علیه السلام) داشته‌ام، پخش کنند یا خیر؟ چون اهل سنت ناراحت می‌شوند، گفتم با رئیس جمهور مشورت کنند. عصر به مطالعه پرداختم. گزارش کمیسیون رسیدگی به خریدهای اسلحه و مهمات، در زمان جنگ را خواندم.

شنبه ۵ دی

۲۹ صفر - ۲۶ صعبیر

امروز قدری در خانه ماندم و باقیمانده وقت را در مجلس گذراندم. پیش از ظهر آقای [عبدالمجید] معادیخواه و اعضای شورای هماهنگی تبلیغات آمدند. درباره طرح تبلیغات

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول - ۱۳۶۰.

متمرکز کشور، بحث کردیم. طرح را به مجلس داده‌اند؛ که ناقص است. اول شب، شورای عالی دفاع داشتیم. درباره وضع جبهه‌ها بحث شد و درباره احتمال دخالت بیشتر کشورهای عربی خلیج فارس<sup>۱</sup> به نفع عراق در جنگ. مصاحبه رادیو تلویزیونی کردم<sup>۱</sup>.

رفقای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی آمدند و برای برنامه مشترک با مجاهدین انقلاب اسلامی، بحث کردیم. شب را در مجلس ماندم. به اخبار گوش دادم و گزارشها را خواندم. مسأله مهم جهانی، مسأله لهستان است<sup>۲</sup>. سفیر کره شمالی هم به ملاقات آمد. پیشنهاد داشت سران کره به ایران بیایند. آمدن رئیس مجلس را پذیرفتم. درباره توسعه روابط، بحث کردیم.

## یکشنبه ۶ دی

۳۰ صفر - ۲۷ دی

به مناسبت شهادت امام رضا (علیه السلام)، جلسه علنی نداشتیم. پیش از ظهر، در مجلس ماندم؛ به کارهای اداری رسیدم. نهار را در مجلس خوردم و کارها را انجام دادم. امروز بعد از انقلاب فرهنگی، مراکز تربیت معلم، با هفده هزار دانشجو، شروع به کار کرد. شب، کادر مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، در دفتر آقای خامنه‌ای، جلسه مشترک برای تفاهم و نزدیکی و همکاری بیشتر و رفع سوء تفاهم داشتند. اخیراً در رده‌های پائین، اختلافاتی بین دو جمعیت دیده شده. آقای خامنه‌ای و سخنگوی آنان و آقای اکبرپورورش صحبت کردند و من جمع‌بندی کردم. آنها چند انتقاد تشکیلاتی به ما داشتند و از صلاحیت حزب به عنوان مرکز نیروهای خط امام، یاد کردند و دوستان ما از ابهاماتی در فکر و رویه آنها گفتند و آنها پاسخ دادند. جلسه خوبی بود.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

۲ - در لهستان معدنچیان اعتصاب کرده بودند و خواستار لغو حکومت نظامی و آزادی رهبران اتحادیه همبستگی بودند. در این کشور اتحادیه همبستگی مردم را به شورش علیه نظام کمونیستی فراخوانده بود و آمریکا و سایر کشورهای غربی و کلیسای نیر از این حرکت، حمایت می‌کردند.

شب به خانه آمدم. با حضور بچه‌ها جلسه گرم خانوادگی داشتیم. محسن این روزها مهمان ماست. همراه مسئولان شرکت نفت به جزیره خارک رفته بود. برایش جالب بود و شب از دیده‌هایش تعریف کرد. بناست اسکله "تی" برای توسعه صادرات راه ییفتند؛ از زمان جنگ خوابیده است.

دوشنبه ۷ دی

۱ ربیع‌الاول - ۲۸ صامبر

جلسه علنی داشتیم. صبح زود به مجلس رفتیم. لوایح در دستور عادی بود. دکتر اموسی از رگر، به جای دکتر ولایتی، کار پرداز مجلس انتخاب شد. یک ساعت زودتر دستورات کار مجلس تمام شد. ظهر چند نفر از نمایندگان برای کارهای شخصی و حوزه نمایندگی ملاقات داشتند.

بعد از ظهر، اخوی محمد خبر داد که آقای بشارت نماینده مجلس از سمیرم ترور و شهید شده<sup>۱</sup>. خیلی متأثر شدم. معلوم شد، بدون محافظ از مجلس رفته و مورد سوء قصد قرار گرفته. عصر در جلسه بزرگداشت شهید مجتبی استکی<sup>۲</sup> و جعفر زاده که در مجلس تشکیل شده بود شرکت کردم. آقای اقریانعلی ادری نجف آبادی و آقای محمد یزدی صحبت کردند. مطالب خوبی گفتند. جلسه هفتگی گروه پارلمانی حزب بود. از همراهان قابل اعتماد و فعال بودند.

۱ - شهید حجت‌الاسلام محمد تقی بشارت نماینده مردم سمیرم در مجلس شورای اسلامی بود. وی در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچ‌ساران و جهاد سازندگی، سرپرست بیاد شهید و کعبه کهکلیویه و بویراحمد و نمایندگی مجلس سیرگان را عهده دار بود. و توسط تروریستهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.

آقای هاشمی رفسنجانی در رابطه با شهادت حجت‌الاسلام محمد تقی بشارت گفت: آقای بشارت از دوستان خوب ما بود، از زمان منبگی همراه بودیم، در جریان مبارزات با هم بودیم، برادر ایشان پیش از پیروزی انقلاب، شهید شد و خودشان از رورهای اول پیروزی، همه جا در میدان بودند، فقدان ایشان برای ما و مجلس و انقلاب یک ضایعه‌ای بود. امیدوارم که خون ایشان و شهادت ایشان اثر خودش را در جریان کمبود حضور ایشان داشته باشد.

۲ - شهید مجتبی استکی نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی بود که در انتخابات میاندوره‌ای مجلس به جای برادرش شهید رحمان استکی به نمایندگی انتخاب شد. شهید رحمان استکی نیز در واقعه هفتم تیر در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. شهید مجتبی استکی در اول دیماه ۱۳۶۰ در مشهد توسط تروریستهای سازمان مجاهدین خلق به لقاءالله پیوست.



مجلس شورای اسلامی ایران

شماره ۲۰ / ۱۳۳۹ / ۵

تاریخ ۱۳۳۹ / ۵ / ۲۰

بجای

جناب سرانجامه تدبیر /  
 امیر غفران میرزا علی محمد گویا در مورد اصل خلق کرده  
 با تشکر از کلمات پربندگی - بنامت عبدالمجید  
 و سیلاب حضرت سید و حضرت را منقسم شمرده و تقابل در این  
 بر طرفدار این عبادتگاهان محترم و محترم سرور  
 کتب ایشان تقدیم در دست در این محرم  
 جهان در سال عبید پروردگار استخوان دستگیران  
 از قضاوت بزرگ فداگام  
 در مجلس شورای اسلامی ایران  
 در سال ۱۳۳۹

اول شب، در دفتر آقای خامنه‌ای با مسئولان قضائی و اجرائی و اطلاعاتی جلسه داشتیم که تا ساعت یازده ونیم شب طول کشید. بحث درباره کیفیت برخورد با مخالفان جمهوری بود. قرار شد، شدت عمل فقط در مورد تروریستها (مجاهدین، پیکار، چریکهای فدایی خلق، رنجبران، کودتاچیان، خلق مسلمان، کومله و دموکرات) باشد. در مورد سایر مخالفان، آزادی باشد و متعرضشان نشویم؛ مگر در صورتی که با تروریستها همکاری کنند و ضابطه‌ای برای بازداشتها و مسئولان بازداشت باشد، که خود سری نشود. قرار شد، براساس این تصمیم، پرونده بازداشتیها رسیدگی شود و آنها که مستحق آزادی‌اند، آزاد شوند. روی هم رفته، جلسه مفیدی بود. ساعت دوازده، برای خواب به مجلس رفتیم. امام امروز در ملاقاتشان با خانواده‌های شهدای انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری و به مناسبت سالگرد نهضت سوادآموزی، از حزب ستایش کردند<sup>۱</sup>. برای حزب جمهوری اسلامی مهم است.

سه شنبه ۸ دی

۲ ربیع‌الاول - ۲۹ صابری

در مجلس خوابیده بودم. صبح زود، پس از نماز، مقداری برای درس کلاس مواضع مطالعه کردم و روزنامه صبح جمهوری اسلامی را دیدم. آقای محمد اغرضی تلفن کرد و برای ملاقات مسئولان اجرایی استان خوزستان، وقت گرفت. درباره امکان فروش پنج میلیون تن نفت به کره شمالی صحبت شد. قرار شد سفیر را بپذیرد.

جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور، درباره شهادت آقای محمد تقی ابشارت صحبت کردم و تکیه کردم روی اینکه، این گونه جنایات زمینه روحی تصفیه کامل ضد انقلاب را فراهم می‌کند و مجلس را عمیقاً با مردم منسجم می‌نماید<sup>۲</sup>. چند لایحه معمولی داشتیم. قبل از مجلس و

۱ - رجوع کنید به صحیفه نور - جلد پانزدهم، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۲ - در این سخنرانی جمله معروف «شهادت آقای ابشارت بیدار باش جدیدی می‌دهد که برپلنگ تیزدندان نمی‌شود ترحم کرد... هیچ راهی جز تصفیه خدمت کسندگان به اجانب نیست» گفته شد. کتاب «هاشمی رفسنجانی - نطقهای پیش از دستور ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷».

در حال تنفس، به کارهای نمایندگان رسیدم.

ظهر، گروهی از فرمانداران و مسئولان نهادهای انقلاب، همراه استاندار خوزستان آمدند. از وضع خود راضی بودند و مشکلی نداشتند و از موفقیت در عمران منطقه می‌گفتند و آمادگی برای بازسازی بعد از جنگ. سپس با گروهی از نهضت‌های اسلامی چند کشور، ملاقات کردم که اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی داشتند و چند سؤالشان را جواب دادم؛ من جمله [درباره] علت همکاری با دولت سوریه، گفتم [این همکاری] به خاطر نقش آن در مقابل اسرائیل و مواضع انقلابی [سوریه است] ناهار کشمش پلو داشتیم. بعد از ظهر، محسن رضایی و رحیم صفوی آمدند و وضع جبهه‌ها و برنامه‌های آینده را گفتند. نزدیک نیست.

با مسئولان سازمان فجر اسلام، ملاقات داشتم. کمک می‌خواستند و با مسئولان حزب جمهوری اسلامی در استان اصفهان که تکیه روی نقش مؤثر روحانیت در حزب و مذهبی کردن بیش از پیش احزاب داشتند. بچه‌های خوبی‌اند.

سپس، ملاقاتی با هیأت‌های مؤتلفه که بیشتر از گرفتاریهای کسبه و بازاریها در رابطه با سخت‌گیریهای اقتصادی گفتند و با مسئولان سپاه درباره جنگ. شب به خانه آمدم. احمدآقا و صادق طباطبائی و محسن ارفیق دوست آمدند. درباره خریدهای اسلحه صادق بحث داشتیم. صادق دفاع کرد. وضع بدی پیش آمده.

## چهارشنبه ۹ دی

۳ ربیع‌الاول - ۲۰ صابر

پس از نماز و جواب مراجعات و نوشتن چهار روز خاطرات عقب افتاده، عازم مجلس شدم. راننده دیر آمد، با کمی تأخیر به مجلس رسیدم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. بیست و یک تومان، بابت هفت دقیقه، جریمه شدم. عصر جلسه هیأت‌رئیس داشتیم. برنامه هفته آینده را منظم کردیم. برای تأمین امنیت نمایندگان از شر تروریستها تصویب کردیم که اتومبیل ضد گلوله از منابع داخلی و خارجی برای مجلس تهیه کنیم، کارهای اداری را انجام دادیم.

نامه‌ای از فرمانده نیروی زمینی رسید، اطلاع می‌داد که امشب نیروهای ما در خاک عراق

حمله‌ای دارند. طرح "کربلای ۱" اجرا می‌شود.

اول شب، از دفتر مشاورت و دبیرخانه شورای دفاع آمدند و گزارشهایی داشتند. اطلاع دادند که هیأتی فنی اعلان آمادگی کرده که رادارهایی که در انبار داریم و با رفتن کارشناسان آمریکائی عملیاتی نشده، عملیاتی کنند و نیاز نداشته باشیم که رادار از انگلستان بخریم. گزارشی بود که از مصر چند هزار سرباز به کمک سربازان عراقی به عراق وارد شده‌اند و چیزهای دیگر.

شب، با حضور آقای (عبدالرحیم) ربانی شیرازی، در دفتر رئیس جمهور جلسه‌ای داشتیم. آقای ربانی از نهادهای انقلابی ناراضی‌اند و سفارش به کنترل آنها می‌کنند و به طور کلی روحیه احتیاط و میانه‌روی در امور اقتصادی، سیاسی و اداری دارند. از آینده وضع موجود نگرانند. بحثهای طولانی با ایشان داشتیم. و در اینکه به طرف قانون و ثبات باید برویم، متفق بودیم. شام را مهمان آقای خامنه‌ای بودیم. برای خواب به مجلس رفتم و تا ساعت دوازده شب کار کردم.

پنجشنبه ۱۰ دی

۴ ربیع‌الاول - ۲۱ صابری

پس از نماز، مشغول مطالعه گزارشها شدم. مقداری از گزارشها را که از دیروز مانده بود، خواندم. فرمانده نیروی زمینی، تلفنی اطلاع داد که عملیات کربلای ۱ به علت موانعی انجام نشده. آقای دکتر (علی اکبر) ولایتی وزیر خارجه عازم سوریه بود. تلفنی خداحافظی کرد و مشورت نمود. هدف از سفر، تحکیم روابط با کشورهای عربی است و دادن اطمینان به آنها که ایران نمی‌خواهد، در کارهایشان دخالت کند.

دکتر (عباس) شیبانی هم آمد و از بسته شدن بیمارستان پارس، به خاطر گران گرفتن خدمات بیمارستانی، شکایت داشت. جلسه علنی شروع شد. چند مصوبه داشتیم. اعتبار نامه آقای میرغفار سجادنژاد (نماینده بستان آباد) مطرح بود. آقای (علی) موحدی ساوجی مخالف بود و ایشان دفاع نمود و اعتبار نامه تصویب شد.

به تقاضای جمعی از نمایندگان، آخر وقت جلسه خصوصی داشتیم. عده‌ای از نمایندگان به



هیأت رئیسه، در خصوص عدم تأمین وسایل حفظ نمایندگان از ترور، اعتراض داشتند. توضیحاتی دادیم و تصمیم خریدن اتومبیل ضد گلوله ابلاغ شد و دو نفر برای خرید تعیین شدند. به آنها حکم مأموریت دادم.

آقای پرویز ملک پور نماینده زرتشتیان آمد و از اینکه دختری زرتشتی در یزد به خانه شوهری مسلمان رفته، شکایت داشت. تلفنی از آیت‌الله محمد صدوقی توضیح خواستم، گفتند با میل خودش مسلمان شده و ازدواج کرده است.

عصر، گروهی از رابطان بخش آموزش حزب جمهوری به ملاقات آمدند و کلاس مواضع داشتیم. درباره عالم برزخ و معاد جسمانی بحث کردم. اول شب مصاحبه‌ای با رادیو و تلویزیون درباره شهید دستغیب و سپاه داشتم<sup>۱</sup>. جلسه مشورتی با رئیس جمهور، نخست وزیر، احمد آقا و موسوی اردبیلی در دفتر من درباره جنگ و صلح بود.

جمعه ۱۱ دی

۵ ربیع‌الاول - ۱ رجب ۱۳۸۲

غفت، فاطمی و محسن، دیروز به رفسنجان رفته‌اند و مهدی و یاسر شب به مجلس آمدند و با هم به خانه آمدیم. امروز من مشغول حفاظت و اداره آنها هستم. اول صبح، پس از نماز و نوشتن خاطره دو روز گذشته، مشغول مطالعه گزارشها شده‌ام و بچه‌ها خوابیده‌اند. برف باریده و درختها، دیوارها، حیاط و جماران پوشیده از برف است، خیلی با صفاست. رادیو هم سرود می‌خواند. (تا اینجا را صبح نوشتم)

آقای محمد امامی (کاشانی) نماز جمعه را اقامه کردند و آقای (رسول) منتجب (نیا)، [نماینده شوش اندیشمک] سخنرانی قبل از نماز را؛ و در نماز امروز چهار صد نفر از زندانیان تروریست توبه کرده را آورده بودند که یکی از آنها هم صحبت کرد. اقدام جالبی است و در نوع خود بی نظیر.

ضمن استراحت، موفق شدم، مقدار زیادی از جزوه‌های گزارشاتی را مطالعه کنم. سفیر

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

سوریه در یکی از این گزارشها آمادگی کامل سوریه را برای همکاری با ایران و روی کار آوردن دولت مطلوب در عراق، پس از صدام، اعلام کرده است.

بهره‌برداری از یک فاز، از پنج فاز ماهواره تحقیقاتی که با رفتن آمریکائی‌ها را کد مانده بود، با حضور نخست وزیر شروع شد و نویدی است برای قدرت فنی ایران؛ و ده نفر کارشناس نفت را به لیبی فرستادیم که نمایش قدرت دیگری است. با عفت و آقای شیخ محمد هاشیمان تلفنی در رفسنجان صحبت کردم. شب صیاد اشیرازی<sup>۱</sup> تلفنی اعلام کرد که امشب عملیات در خاک عراق داریم، عملیات اکر بلائی ۱. از وزیر خارجه در سوریه استقبال خوبی شده. ظهر غذا از بیرون گرفتیم و شب، فائزه غذا درست کرد و علی و ناصر اخوی زاده هم بودند.

شنبه ۱۲ دی

۶ ربیع‌الاول - ۲ ذی‌حجه

تا عصر در منزل ماندم. خبر دادند که ارتش و سپاه، وارد خاک عراق شده‌اند و شهرک کوچکی بنام "تویله" را محاصره کرده‌اند. چون عملیات تمام نشده، اعلان نمی‌شود. بعد از نماز و استراحت، بعد از ظهر به دفتر امام رفتم. رئیس جمهور و نخست وزیر و مهندس احمد اغرضی هم آمدند. درباره عدم برخورد فعال مسئولان وزارت نفت، با متقاضیان نفت اعتراض داشتیم. مواردی خبر می‌دهند که مراجعه می‌کنند، ولی تحویلشان نمی‌گیرند. مسئولان نفت می‌گویند، اکثر اینها دلالتی هستند که سرانجام بازارهای مصرف خودمان را می‌گیرند.

شورای عالی دفاع، همان جا تشکیل شد و پس از شورا من مصاحبه کردم<sup>۱</sup>. شام را در منزل احمد آقا مهمان بودیم. آقای موسوی اردبیلی هم بودند و وزیر خارجه هم که تازه از سوریه برگشته بود، آمد و گزارشی از مذاکراتش در سوریه داد. پس از شام به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۳ دی

۷ ربیع‌الاول - ۳ ذی‌حجه

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح تدوین استراتژی ملی، وقت زیادی گرفت. در اثر

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.

بی محتوا بودن، تصویب نشد. دو سه لایحه کوچک تصویب شد. ظهر خیر عملیات تویله عراق بخش شد. نیروهای ما برای تصرف شهرک تویله وارد عراق شده‌اند. نتوانسته‌اند، هدف را تصرف کنند، ولی ضربه‌ای به دشمن وارد آورده‌اند و ۱۲۴ اسیر گرفته‌اند. مرحله جدیدی در جنگ است. عراق و کشورهای حامی‌اش به وحشت افتاده‌اند.

قاضی شرع اهواز هم آمد و برنامه مبارزه با بی‌حجابی در اهواز را گفت و پیشنهاد داشت در جاهای دیگر هم عملی شود. با تبلیغات و همکاری مردم، مانع حضوری حجابها در سطح شهر شده‌اند.

عصر، جلسه شورای مرکزی حزب، در دفتر من تشکیل شد. برنامه منظمی نداشت. درباره هیأت‌های اعزامی برای سالگرد انقلاب، بحث شد. ۲۴۰ تیم اعزام می‌شوند. آقای محمد اغرضی وزیر نفت در جلسه شرکت کرد و توضیحاتی درباره صنعت نفت داد. شب در دفترم ماندم و گزارشهای دو سه روز گذشته را خواندم.

دوشنبه ۱۴ دی

۸ ربیع الاول - ۴ ذی‌حجه

پس از نماز، مشغول مطالعه شدم. صبح آقای بهزاد نبوی آمد. درباره لایحه مجازات اخلاص کنندگان در کویتهای سهمیه بندی کالاها، مشورت داشت. در مجلس کمیسیون قضائی این لایحه را رد کرده و ستاد بسیج اقتصادی، نگران است، اگر در جلسه علنی رد شود، اصل سهمیه بندی مخدوش و ضعیف می‌شود. گفتم احتیاج به اصلاحات دارد. آقای نخست وزیر هم در همین خصوص، تلفنی صحبت کرد. در کمیسیون تدوین آئین نامه شرکت کردم.

بعد از ظهر، سفیر شوروی به ملاقات آمد. خبر از توطئه آمریکا و تجمع نیروهای ضد انقلاب در خاک ترکیه و نفوذ دسته‌هایی از آنها به داخل می‌داد و می‌گفت مشابه آن در بلوچستان پاکستان پایه ریزی شده. گفتم این خبر از منابع مختلف می‌رسد، ولی کسی سرخ مشخصی نمی‌دهد. من از عدم انجام تعهد شوروی در خصوص تحویل روزانه چهل هزار بشکه فراوده‌های نفتی به ایران، گله کردم. قرار شده به خاطر تعطیلی پالایشگاه آبادان و کرمانشاه،

آنها به مافرآورده بدهند و در مقابل از ما نفت خام بگیرند.

گروهی از تربیت بدنی آمدند و از احتمال عزل آقای داودی سرپرست سازمان‌نگران بودند. آقای آخوندی از مرکز جهاد تلفن کرد و از تغییر نماینده امام ناراضی بود. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره هفته وحدت داشتم<sup>۱</sup>.

سرهنگ کا کاوند فرمانده پایگاه هوایی بوشهر آمد و مطالبی در خصوص ضعف عملکرد نیروی دریایی و عدم استفاده از امکانات آنها داشت و پیشنهاداتی ارائه کرد. شب به خانه آمدم و تا آخر شب، اخبار گوش دادم. در حال نماز عشاء، در مجلس دچار تب و لرز خفیفی شدم.

سه شنبه ۱۵ دی

۹ ربیع‌الاول - ۵ ذی‌الحجه

به خاطر کسالت، با اینکه جلسه علنی داشتیم، در منزل ماندم. آقای موسوی اخوئینیا و آقای محمد ایزدی، مجلس را صبح و عصر اداره کردند. عصر را برای جواب وزرا به سئوالات نمایندگان، اختصاص داده بودیم. به مطالعه پرداختم و مخصوصاً مطالبی درباره امنیت خلیج فارس و وحشت غریبها از انقلاب اسلامی در منطقه. تلفنی با مجلس و نخست وزیر برای کارها تماس داشتم.

از آقای امیرحسین موسوی خواستم که لوایح برای ارجاع داوری را که امروزیکی از آنها تمام وقت مجلس را گرفت، به مجلس نیاورند. چون شورای نگهبان گفته، در مورد قراردادهای رژیم گذشته که در متن قرارداد، ارجاع به داوری پیش بینی شده و ناچاریم بپذیریم، تصویب مجلس ضرورتی ندارد. محسن برای ملاقات عمه‌اش به قم رفته بود. عصر همه بچه‌ها، جمع شدند. عصر از دفتر مشاورت امام، سرگرد ترابی آمد و گزارشی از ارتش داد. مقداری در حیاط منزل، قدم زدم و برای سخنرانی روز جمعه در جلسه سفر و خطبه‌های نماز جمعه این هفته، فکر کردم. خبر مهمی در داخل نداشتیم. توسعه تظاهرات مسلمانان سودان، امروز مسأله مهم

۱ - کتاب «هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰».

است!

چهارشنبه ۱۶ دی

۱۰ ربیع الاول - ۶ ذی‌الحجه

محسن، آماده برگشتن به بلژیک، برای ادامه تحصیل شده. ساعت دوازده، پرواز داشت. من و عنت، کمی نگران امنیت او در خارج هستیم، او را شناخته‌اند و در جزوه‌ای او را اسم برده‌اند و اخیراً دو نفر دانشجو در آمریکا و اسپانیا، توسط منافقین شهید شده‌اند. با او صحبت کردم که اگر احساس خطر کرد، به کشور دیگری برای تحصیل منتقل شود و یا به ایران مراجعت نماید. به مجلس رفتم. در کمیسیون آئین نامه، تا یک بعد از ظهر، شرکت کردم.

جلسه هیأت رئیسه تشکیل شد، برنامه هفته آینده تنظیم گردید. تصمیم گرفتیم، خانه‌های اطراف مجلس را با دادن زمین و اجازه ساختمان به صاحبان آنان، بخریم. می‌گویند حدود یک صدوسی خانه است. برای تأمین امنیت نمایندگان و مجلس مهم است. اول شب آقای نظران آمد و برنامه و دستور شورای عالی دفاع را آورد. شب در مجلس ماندم، به اخبار گوش دادم و گزارشها را مطالعه کردم.

حاج احمد آقاخیمینی تلفن کرد و اطلاع داد، امروز عراقیها شیاکوه را که چند روز پیش گرفته‌ایم، پس گرفته‌اند و ما حدود پانصد نفر تلفات داده‌ایم. مقامات نظامی هم این خبر را تأیید کرده‌اند. بسیار تلخ است. سپاه هم تأیید کرد.

پنجشنبه ۱۷ دی

۱۱ ربیع الاول - ۷ ذی‌الحجه

بعد از نماز صبح، خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. آقای امرتضی الویری آمد و مطالبی درباره ارتباط بعضی از نمایندگان با منافقان داد، در حدود کمک مالی. به جلسه علنی رفتم.

۱ - به دنبال تظاهرات وسیع دانش آموزان و دانشجویان در سودان به دلیل عدم رسیدگی به خواسته‌های آنها از طرف دولت، به دستور جعفر نمیری رئیس جمهور این کشور، کلیه مدارس تعطیل و نیروهای نظامی جهت سرکوبی تظاهرکنندگان به حال آماده باش در آمدند. در ناآرامی‌های سودان در زمستان ۷۰، ده دانش آموز جوان خود را از دست دادند و بازار بزرگ خارطوم و بیش از ۱۲۰ مغازه در آتش سوخت.

چند لایحه تصویب شد و اعتبار نامه آقای دکتر مصطفی اکیائی نماینده تویسرکان که مورد مخالفت آقای دانش قرار گرفته بود، تصویب گردید. ظهر گروهی از نمایندگان در دفترم برای کارهایشان مراجعه کردند. آقای امرتضی محمودی نماینده قصر شیرین، از خبر ضربه به ما در شیاکوه نگران بود.

قرار است، فردا در تالار رودکی به مناسبت هفته وحدت سخنرانی کنم. آقای [فضل الله] محلاتی آمدند و گفتند، سپاه به امنیت آنجا مطمئن نیست. کارکنان آنجا را نمی شناسد و مصلحت نمی داند و دیگران هم معتقدند که بهتر است نروم. تا شب نتوانستم با آقای عبدالمجید معادیخواه برای فسخ قرار تماس بگیرم.

عفت، فاطمی، یاسر و مهدی به مجلس آمدند، برای شرکت در جلسه درس مواضع حزب. موضوع درس، وضع انسان در عالم برزخ و ارتباط برزخ با دنیا بود و شفاعت. اول شب مصاحبه ای درباره هیأت های مؤتلفه داشتم<sup>۱</sup>. شب با هم به منزل آمدیم.

آقای عبدی از نخست وزیری آمد و نامه ای از تاجر شیعه سوریه ای آورد که می خواهند با اجازه امام، چهار میلیون دلار سهم امام و خمس را به مصرف جهاد، هلال احمر ایران و شیعیان لبنان و سوریه برسانند و قرار شد نامه اش را به امام بدهیم و مطالب دیگری درباره اوضاع شیعیان لبنان و سازمان امل داشت.

جمعه ۱۸ دی

۱۲ ربیع الاول - ۸ رجب

ظهر، برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. روز شروع هفته وحدت، پیشنهاد آقای منتظری است. ایشان برای رفع اختلاف بین شیعه و سنی، در تاریخ تولد پیغمبر (ﷺ) از ۱۲ تا ۱۷ ربیع الاول را هفته وحدت اعلان کرده اند و خوب جا افتاده است. چند نفر از شخصیت های اهل سنت، قبل از نماز، حرف های خوبی زدند. قطعه نامه علمای اهل سنت خوانده شد و جالب بود. جمعی از اسرای عراقی در نماز جمعه شرکت کرده بودند و به نفع جمهوری و امام، شعار



آیت الله منتظری - امام خمینی - آیت الله هاشمی رفسنجانی

می دادند. جمع کثیری از مهمانهای خارجی و علمای اهل سنت هم در اجتماع شرکت داشتند. سخنران قبل از نماز، دکتر احسن ارواحانی بود و من دو خطبه رادر وحدت، شرایط وحدت، همکاری و اشتراک مساعی با غیر مسلمین صحبت کردم<sup>۱</sup>.

ناهار و استراحت را بعد از ظهر در خانه انجام دادم. عده‌ای هم برای کارهایشان مراجعه کردند. تلفنی از وضع جبهه پرسیدم. تازه مهمی نداشتیم. عصر، قرار بود در تالار رودکی در مراسم هفته وحدت سخنرانی کنم، با توصیه و اصرار مردم، به خاطر مراعات امنیت، شرکت نکردم، به جای من آقای محمد اخانمی - نماینده اردکان - شرکت کرد. شب بیشتر به مطالعه گزارشها و گوش دادن به برنامه تلویزیون گذشت.

آخر شب، فرمانده سپاه پاسداران و مسئول اطلاعات آمدند و برای تحکیم موقعیت سپاه، کمک می خواستند. گزارش عقب نشینی در شیاکوه و تلفات یک گردان ارتش و یک گردان سپاه را دادند که نزدیک به پانصد نفر شهید و مجروح و اسیر داشته‌ایم، در ۱۶ دی. با احمد آقا تلفنی صحبت کردم و وقت ملاقات برای روز شنبه از امام گرفتم.

شنبه ۱۹ دی

۱۲ ربیع الاول - ۹ و ۱۰

در منزل ماندم. مطالعه و راه رفتن در حیاط منزل و ملاقاتهای خصوصی، و قتم را گرفت. به ملاقات امام رفتم و برای مصرف شدن چهار میلیون دلار از سهم امام و خمس برای جهاد و هلال احمر و شیعیان لبنان و سوریه که توسط یک شیعه لبنانی پرداخت می شود، اجازه گرفتم. بعد از ظهر، به دفتر مشاورت امام، در ستاد مشترک رفتم، آنها اصرار دارند که من بیشتر به آنجا بروم تا ارتشی‌ها به اهمیت دفتر و توجه مسئولان به آن، توجه داشته باشند. به مجلس رفتم. هیأت مأمور رسیدگی به وضع خریدهای اسلحه آمدند و درباره ادامه کارشان مشورت کردند. و به تعقیب نظرانی که داده بودند، اصرار داشتند. از کارخانه شیشه مینا هم آمده بودند و از دخالت مسئولان بانک صادرات، در امور

۱ - کتاب هشتمی رفسنجانی - خطبه‌های جمعه - جلد اول.



کارخانه که دادن وام را معلق به رفتن مدیر عامل کارخانه کرده بودند، شکایت داشتند. بعد از نماز، به دفتر رئیس جمهور رفتم و در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم. آقای ظهیرنژاد از ضربه‌ای که در شیاکوه خورده‌ایم، انتقاد می‌کرد و ضعفهای نیروی زمینی را مطرح نمود. درباره عملکرد نیروی دریایی، بحث شد و قرار شد هفته آینده بیایند و توضیح دهند. درباره مذاکره با ترکیه در رابطه با اخباری که از منابع مختلف، مبنی بر اجتماع ضدانقلاب سلطنت طلب، در نزدیکی مرزها می‌رسد، قرار شد توضیح بخواهند. در خاتمه جلسه به دیدن پدر و مادر آقای خامنه‌ای که از مشهد آمده بودند، رفتم. سپس با آقای اعلی اکبر اولایتی در حضور آقای خامنه‌ای جلسه‌ای داشتیم که در امور خودش مشورت داشت و برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۲۰ دی

۱۲ ربیع الاول - ۱۰ ذی‌حجه

ساعت هشت و نیم، جلسه علنی شروع شد. چند لایحه در دستور داشتیم. سرماخوردگی و کسالت داشتم. اداره جلسه را به آقای امسوی اخوئینیها سپردم و به دفترم رفتم. آقای ارضا زواره‌ای آمد و اطلاع داد که آقای سید محمد خامنه‌ای، نماینده مجلس مورد سوء قصد قرار گرفته و سطحی مجروح شده، و دو پاسدارش شهید شده‌اند. با بیمارستان تماس گرفتم؛ الحمدالله خطری، ایشان را تهدید نمی‌کند!

تا ساعت دو بعد از ظهر، مراجعه فراوانی از طرف نمایندگان داشتم. بعد از نماز و استراحت و ناهار قرار بود در جلسه هفتگی شورای حزب جمهوری اسلامی شرکت کنم، به خاطر کسالت نرفتم. شب در مجلس ماندم. به رادیو تلویزیون گوش دادم. گزارشها را مطالعه کردم، با کمی تب

۱ - ساعت ۸ صبح روز یکشنبه بیستم دیماه ۱۳۶۰، حجت الاسلام سید محمد خامنه‌ای نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی (برادر آیت الله خامنه‌ای) در تهران، خیابان سهروردی تقاطع استاد مطهری مورد سوء قصد عده‌ای تروریست قرار گرفت. در جریان این حمله دو تن از پاسداران حجت الاسلام خامنه‌ای به شهادت رسیدند و خود ایشان از ناحیه دست مجروح گردید. به دنبال شهادت دو پاسدار همراه حجت الاسلام خامنه‌ای، وی از اتومبیل پیاده و به سوی مهاجمین آتش می‌گشاید که مهاجمین از محل مزبور، با اتومبیلی که از قبل تهیه کرده بودند، متواری می‌شوند.

و درد گلو، زود خوابیدم.

ساعت یازده از خواب بیدارم کردند. نامه‌ای فوری و سری از نیروی هوایی رسیده بود، ولی مطلب مهمی نداشت. احمد آقا تلفن کرد و گفت دادگاه انقلاب ارتش، آقای صادق طباطبائی را به خاطر اشکالات خریدهای ایشان، احضار کرده، می‌خواست که در رسیدگی حق و عدل در نظر باشد. با آقای ری شهری تماس گرفتم، گفت، دهقان معاون لجستیکی، مطالبی گفته که باید از ایشان بازجویی شود.

حاج سید احمد آقا، در مورد اجازه کتبی از طرف امام، در خصوص مصرف چهار میلیون دلار توسط یک ثروتمند شیعه سوری - که اجازه مصرف خواسته بود تردید دارد و می‌گوید، اجازه لفظی کافی است.

دوشنبه ۲۱ دی

۱۵ ربیع‌الاول - ۱۱ زلویه

کسالتم ادامه داشت. در عین حال، در جلسه علنی شرکت کردم و در مورد سوء قصد به جان آقای محمد خامنه‌ای، قبل از دستور صحبت کردم.<sup>۱</sup> گفتم، منافقین به روزگار مافیا، سیا، سازمانهای اشترن و ارگون صهیونیستی افتاده‌اند و چهره‌های محبوب را می‌زنند و از ملت انتقام می‌گیرند که از آنها رویگردان است. چند لایحه تصویب شد. شور دوم لایحه مطبوعات مطرح شد. بعد از تنفس، مجلس را به آقای موسوی خوشبینها واگذار کردم.

گروهی از شخصیت‌های علمی، اجتماعی، انقلابی و اسلامی که به مناسبت هفته وحدت،

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی در نطق پیش از دستور در این باره اظهار داشت: گروهی، سعی در نابود کردن چهره‌های شناخته شده و محبوب ملت ایران نموده‌اند. حرکات این قبیل گروه‌ها، مانند حرکات سازمانهای مافیا و سیا و سازمان جاسوس انگلستان و صهیونیستی موساد است. اینها هر جا می‌بینند که چهره‌های موثری در مملکت برای احیای انقلاب اسلامی ایران سرگرم تلاش و کوشش هستند، می‌خواهند این چهره‌ها را از میان بردارند. کار منافقین در ایران به اینجا رسیده که تنها کارشان از میان برداشتن چهره‌های مردمی در مملکت است. آقای محمد خامنه‌ای نزدیک به ۴۰ سال از عمرش را صرف تحصیل و تبلیغ و گفتن حق بسر بردند و آینده عمرشان هم در همین راه خواهد بود، نزدیک به یک میلیون نفر از اهالی مشهد به ایشان رای دادند و این اقدام غیر انسانی آنها را سخت عیبانی کرد. مجاهدین به اصطلاح خلق به دلیل اینکه مردم آنها را از میان خود طرف کردند، از مردم انتقام می‌گیرند و عقده‌ای در آنها ایجاد شده و با این عقده دست به ترور شخصیت‌ها زده‌اند. کتاب هاشمی رفسنجانی، نطقهای پیش از دستور - سال ۱۳۶۰ - دفتر نشر معارف انقلاب - ۱۳۷۷.

مهمان ما بودند، به مجلس آمده بودند و در دفترم با آنان ملاقات و مذاکره کردم. بعد از ظهر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده تصویب شد و درباره قانون جدید کارکنان مجلس، بودجه مجلس، منزل نمایندگان و کارهای اداری دیگر تصمیم گرفتیم. عصر مقداری مطالعه گزارشها و انجام کارهای اداری داشتم.

چون قرار شد، نطقهای پیش از دستور نمایندگان شهید مجلس را - که ۳۳ نفرند به خانواده آنها بدهیم، پیام کوتاهی ضبط کردم که قبل از نوار نطق آنان ضبط شود. انجمن اسلامی فارغ التحصیلان فیلیپین آمدند و حرفهایی درباره دانشجویان آنجا و مورو داشتند.

سفیر ایران در سوئد، آقای گواهی آمد و از ایذاهای ضدانقلاب و حکام سوئد و مشکلات سفارت در آنجا گفت، نمیخواهد برگردد. آقای اصغر صباغیان آمد. در افغانستان با مجاهدان افغانی ملاقات کرده بود، از استقامت و روحیههای اسلامی آنان و انزوای حکومت کودتای افغانی و روسها گفت. شب به منزل آمدم. از منزل امام گوشت آورده بودند. آخر شب، سرهنگ صیادشیرازی تلفن کرد و گفت در کردستان به پایش تیر خورده و سطحی زخمی شده است.

سه شنبه ۲۲ دی

۱۶ ربیع الاول - ۱۲ ذی قعدة

در خانه ماندم. یکی از کلاسورهای فیشهای "کلید قرآن" را فاطمی از حزب آورده که روی آن کار کنم. کار بزرگی است که قسمت اساسی آن را در زندان انجام داده‌ام. مراحل بعدی را فرصت نمی‌کنم. گروهی از حزب، روی آن کار می‌کنند، ولی نیاز به مدیریت مستقیم خودم دارد، که متأسفانه فرصت نیست. آقای محسن | دعا گو کمک می‌کنند، ولی کافی نیست.

از دفترم در مجلس، اطلاع دادند که در دشت عباس، نیروهای ما پیشروی داشته‌اند. هنوز تأیید نشده. مقداری درباره نظام اقتصادی اسلام، از دفترچه یادداشت‌های منبرهای قبل از پیروزی، برای خطبه‌های آینده نماز جمعه مطالعه کردم.

قرار بود، شب در جلسه مسئولان امور امنیتی، در دفتر ریاست جمهوری شرکت کنم که نرفتم و حاج احمد آقا، تلفنی سؤال کرد، عذرم را گفتم. شب بیشتر به برنامه تلویزیون گوش

دادم. اکثر برنامه‌ها را مراسم هفته وحدت اشغال کرده. فیلم "محمدرسول الله" را برای بار دوم نمایش دادند. صاحب فیلم آقای محمد زاده که امتیاز فارسیش را گرفته، اعتراض دارد و می‌گوید، موجب خسارت او می‌شود؛ ولی امام فتوی می‌دهند که این امتیازات، حق انحصاری نمی‌آورد.

مسعود فرح بخش، خلبان هواپیماهای سپاه آمده بود و از محیط غیرانقلابی خلبانهای آنجا می‌گفت و از لزوم ادغام آن در شرکت آسمان.

چهارشنبه ۲۳ دی

۱۷ ربیع‌الاول - ۱۳ رجب

با قرار قبلی، همراه هیأت دولت و رئیس جمهور، به زیارت امام رفتیم. آقای خامنه‌ای مقداری دیر آمدند. قبل از رسیدن ایشان، در دفتر امام، تذکراتی به وزرا و در رابطه با مسئولیت‌هایشان داده شد. ساعت نه صبح خدمت امام رسیدیم. مهدی و یاسر هم بودند. آقای بهزاد نبوی هم فرزندش را همراه داشت. به محض شروع برنامه، بچه زد زیر گریه و او ناچار از اتاق بیرون رفت. در محضر امام، جلسه با صفایی برپا شد. آقای خامنه‌ای به امام تبریک گفتند و تقاضای نصیحت کردند. امام هم مقداری صحبت پند آمیز فرمودند!

به خانه برگشتم. اخوی محمد و بعضی از اعضای شورای سرپرستی رادیو تلویزیون و احمد آقا به منزل ما آمدند. اخوی محمد گفت، امام تأکید دارند که موسیقی از برنامه صداوسیما کم بشود. امام سرودها را منع نکرده‌اند و چیزی غیر از سرود هم نداریم. قرار شد، سؤال شود. شب، در منزل آقای موسوی اردبیلی جلسه مشاوره داشتیم. محافظان من هم نبودند، با احمد آقا رفتم. بحث بیشتر در مورد مسائل اقتصادی بود. نخست وزیر می‌گفت، در آینده، ناچار به ریاضت هستیم و کمبود داریم. باید به مردم اعتماد بدیم که بروند سراغ توسعه و سرمایه‌ها را از تجارت به تولید منتقل کنند.

۱- امام در این دیدار فرمودند: مبارک آن روزی است که بتوانیم خودمان را بسازیم و به دنبال آن کشور را. (صحیفه نور - جلد شانزدهم - انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی).

آقای محسن رضائی هم آمد. مطالبی درباره طرح عملیاتی آینده جنگ گفت. به نظر می‌رسد، تأخیر داریم. تا آماده شدن همه شرایط، ما باید مدتی صبر کنیم. شب در همان منزل آقای موسوی اردبیلی خوابیدم.

پنجشنبه ۲۴ دی

۱۸ ربیع‌الاول - ۱۲ زانویه

امروز خیر مهمی، در جنگ و غیر جنگ نداشتیم. حمله کوچک ناموفقی داشته‌ایم. صبحانه را به دعوت پاسدارهای آقای موسوی اردبیلی، در اتاق پاسدارها با حلیم، مهمان آنها بودیم. سپس با آقای موسوی اردبیلی، درباره وضع کشور و لزوم به کارگیری نیروهای متفرقه و جذب آنها، صحبت کردیم و هم درباره وضع قوه قضائیه.

امام، همه مسئولان را با مسئولان قضائی دعوت کرده بودند، برای مطلب مهمی. همراه آقای موسوی اردبیلی به بیت امام آمدیم. رئیس جمهور، نخست‌وزیر، اعضای شورای عالی قضائی، دادستان کل انقلاب، لاجوردی، بازرسی کل کشور، فهیم و احمدآقا هم بودند. از امام راجع به گرفتن زیان دیر کرد پرداخته پرسیدم. بحث ناتمام ماند.

امام، مسأله شایعه اخبار مربوط به شکنجه زندانیان را مطرح کردند. آقای فهیم و اعضای بازرسی مواردی را ذکر کردند. امام از آقای اسدالله لاجوردی توضیح خواستند. ایشان گفت: تعزیر می‌کنیم و تعزیر با اجازه حکام شرع است. و توضیح داده شد به خاطر وسعت عمل تروریستی و شلوغی زندانها و عدم امکانات کافی، بروز چنان وضعی اجتناب ناپذیر بوده، ولی دیگر از این به بعد، قابل اجتناب است. قرار شد دیگر مراعات شود. آقایان شیرازی و مروی از بازرسی کل کشورگله داشتند. ظهر به مجلس آمدم و کارهای اداری را انجام دادم. بعد از نماز، استراحت و اخبار، گروهی از انجمنهای اسلامی دانش آموزان همدان آمدند، برای آنها صحبت کردم! آنها هم صحبت کردند. آقای طاهری خرم آبادی آمد و راجع به سپاه و انجمن حجتیه مطالبی داشت.



هاشمی رفسنجانی موسوی اردبیلی

جمعه ۲۵ دی

۱۹ ربیع الاول - ۱۵ ذقویه

پس از نماز، ورزش و صبحانه، مشغول مطالعه شدم و تا ظهر در مجلس، یکسره مطالعه کردم. پیامی برای سمینار جهاد و پیامی برای سمینار انجمن امامیه پاکستان فرستادم که مرا دعوت به شرکت کرده بودند.<sup>۱</sup> گزارشات بازرسی کل کشور را در چند مورد خواندم که کارهای خلاف قانون بعضی نهادها و ارگانهای قضائی و اجرائی را نوشته بودند.

گزارش بانک مرکزی، درباره اقتصاد کشور را خواندم، در اقتصاد، حرکت ضعیفی آغاز شده، ولی در اثر جنگ و محاصره اقتصادی، کمبودها و عقب افتادگیها فراوان است. ساعت چهار بعد از ظهر به منزل آمدم. یاسر اصرار داشت زودتر به خانه بیایم و در انجام تکالیف مدرسه به او و مهدی کمک کنم. به آنها کمک کردم.

احمد آقا آمد و خبر داد که امام، ده میلیون تومان از پول سهم امام، به حزب جمهوری اسلامی کمک کرده اند. دو سه روز پیش هم، طلب پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار تومانی که از حزب داشتند، بخشیدند. این دو خبر، برای حزب، جالب و مفید است. شب، مقداری هم با دکتر حمید لاهوتی صحبت کردم. سه روز خاطرات را که عقب افتاده بود، نوشتم.

شنبه ۲۶ دی

۲۰ ربیع الاول - ۱۶ ذقویه

به مجلس رفتم. صبحانه را در مجلس خوردم. پیش از ظهر و بعد از ظهر، گزارشها را مطالعه کردم و کارهای اداری را انجام دادم. قرار بود رئیس جمهور به مجلس بیایند که لغو شد، به علت اینکه نخست وزیر برای بودجه می آید، گفتم از دستور هفته حذف شود. عصر مصاحبه ای با مجله آینده سازان ارگان انجمنهای اسلامی و مجله سروش کردم.<sup>۲</sup>

سپس، در دفتر آقای خامنه ای در شورای عالی دفاع شرکت کردم. اختلافات ستاد مشترک با نیروها و مخصوصاً نیروی زمینی مطرح بود. آقای ظهیر نژاد، معترض است که نیروها گزارش

۱ - کتاب هائشمی رفسنجانی - پیامهای سال ۱۳۶۰.

۲ - کتاب هائشمی رفسنجانی - مصاحبه های سال ۱۳۶۰.

درست به ستاد نمی دهند و حقوق اختیارات محوله از طرف امام به او را، مراعات نمی کنند و آنها دفاع کردند و چیزی ثابت نشد و آنها هم اعتراضاتی داشتند.

وزیر خارجه گزارش داد که انگلستان، اظهار تمایل به انجام قراردادهايش را دارد و می خواهد سفارتش را فعال کند و حاضر شده کشتی خارک را که خریده شده و تحویل نمی داده، تحویل دهد. از فرمانده نیروی دریائی، درباره ضعف عملکرد، سؤال شد و او دفاع کرد و برنامه ای برای دفاع از جزایر خلیج فارس، مطرح گردید. تا ساعت یازده شب، جلسه ادامه داشت و من پس از جلسه، مصاحبه کردم. سخنگوی شورای عالی هستم.

آقای خامنه ای، به خاطر درد دستشان زودتر جلسه را ترک کردند. اخیراً خانم دکتر لی پزشک طب سوزنی کره ای، دارد با سوزن، دست ایشان را معالجه می کند و مدعی است، پس از ده روز دستشان خوب می شود. اگر موفق شود، جالب است. به خاطر نگرانی از وضع جسمی ایشان، به هر وسیله متوسل می شویم. ساعت یازده و نیم با آقای خامنه ای، شام سوپ خوردیم، مقداری مذاکره کردیم و سپس، ساعت دوازده شب برای خواب به مجلس رفتیم. در جلسه شورای عالی دفاع، معلوم شد تلفات ما در شیاکوه کم بوده است.

یکشنبه ۲۷ دی

۲۱ ربیع الاول - ۱۷ ژانویه

آقای بهزاد نبوی، متن ادعا نامه ای علیه آمریکا، در مورد خساراتی که ایران از ناحیه کودتای ۲۸ مرداد، متحمل شده، فرستاد که مطالعه کنم و اگر خوب باشد، امضاء نمایم و به هلند بفرستم که در دعاوی علیه آمریکا، در رابطه با بیانیه الجزایر مطرح شود. خواندم، بد نبود. دادم به دکتر [عباس] شیبانی، امضاء کرد و فرستاد.

جلسه علنی داشتیم. آقایان [احمد] غضنفرپور، [احمد] سلامتیان و [محمد مهدی] اکرمی به





سخنگوی شورای عالی دفاع

خاطر غیبت زیاد، مستعنی شناخته شدند<sup>۱</sup>. دو سه نفر از [محمد مهدی] اکر می دفاع کردند. مؤثر نشد و آقای اعلیٰ اکبر [معین فر و دکتر] بدالله [سحابی] از غضنفر پور دفاع کردند، ولی بی اثر. آقای اعلیٰ گلزاده [غفوری] خواسته بود که یک هفته مهلت بدهیم که دادیم. سپس طرح مطبوعات، شور دوم، مطرح شد. پیشرفتی نداشتیم. طرح خوبی تهیه نشده، خیلی ها مایلند مسکوت بمانند. پیش و بعد از جلسه در حال تنفس، نمایندگان مراجعاتی داشتند.

ظهر آقای [محمد هادی] عبدخدائی، رهبر بخشی از فدائیان اسلام آمد و پیشنهاد داشت که فدائیان در اختیار حزب جمهوری اسلامی یا من فرار گیرند. گروههای دیگرشان هم، چنین تقاضائی کرده اند. این گروهها احساس بی حرکتی و بی سامانی می کنند.

ساعت پنج، در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر آقای خامنه ای شرکت کردم. خبر ده میلیون تومان کمک از طرف امام به حزب و بخشیدن پنج میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان طلب گذشته امام را دادم، خوشحال شدند. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر سوریه را داد و بحث درباره پیگیری و کنترل حزب، بر افراد حزبی شاغل در دولت را داشتیم و تصمیماتی اتخاذ شد.

بعد از جلسه با آقای خامنه ای، درباره سفر آقای صادق طباطبائی به خارج، برای حل مسأله تانکها و تعقیب بیمه، بحث کردیم. قرار شد موافقت کنیم. درس مواضع آقای بهشتی از تلویزیون را دیدم.

دوشنبه ۲۸ دی

۲۲ ربیع الاول - ۱۸ ژانویه

صبح، بعد از نوشتن چند روز خاطرات عقب مانده، به مجلس رفتم. کمیسیون آئین نامه داشتیم. کار آئین نامه تمام شد. بعد از نماز ظهر و ناهار، استراحت کردم. گزارشها را خواندم.

۱. این نمایندگان مشرف ماده ۱۶۶ آئین نامه داخلی مجلس مستعنی شناخته شدند. در این آئین نامه آمده است: نماینده ای که پیش از یکصد ساعت متوالی در دویست و پنجاه ساعت غیر متوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یکسال غیبت نماید، بدون حق استرداد در مهلت پانزده روز مستعنی شناخته خواهد شد. ضمناً این افراد به ترتیب نمائنده لبنان، اسفهان و دشت آزادگان بودند.

اخبار را گرفتم. کارهای اداری مجلس را انجام دادم.  
 دکتر مصلحی، فرزند آقای آیت الله اراکی آمد. ایشان در بیمارستان قلب بستری هستند و  
 راجع به مشکلات کار، در پیاده کردن بیانیه الجزایر گفت. مدعی بود که احتمالاً دست مرموزی  
 نمی‌گذارد کارها پیش برود و کار شکنی می‌شود. چند نمونه گفت که خیلی دلالت نداشت.  
 ایشان را به آقای بهزاد نبوی معرفی کردم که به حرفهایش رسیدگی کنند. حقوقدان است. مدتی  
 هم برای اجرای بیانیه به لاهه رفته است. شب در مجلس ماندم و مقداری به تلویزیون نگریستم.  
 افشاگری گروهکها بود و خبر کشف مرکز انتشارات و چاپ گروه رنجبران (مسلح کمونیست).

سه شنبه ۲۹ دی

۲۲ ربیع الاول - ۱۹ ژانویه

جلسه علنی داشتیم. ادامه بحث در لایحه مطبوعات که سرانجام به خاطر نواقصش،  
 مسکوت ماند. ساعت ده و نیم، جلسه مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب، برای تعیین  
 کمیسیون نمایندگان جدید تشکیل شد. ظهر در دفترم به مراجعات فراوان نمایندگان پاسخ  
 دادم. چند ملاقات داشتم.

فرمانده دانشکده افسری، سرهنگ حاتمی آمد و از کارشکنی انجمن حجیه و سیاسی  
 ایدئولوژیک شکایت داشت. چند مصاحبه با مجلات مختلف داشتم.

بعد از نماز مغرب به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم، جلسه مشاورت هفتگی سران، آقایان  
 نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور، عباس واعظ اطیسی هم بودند. مسائل کلی کشور،  
 منجمله حل مشکل ازدواج و پاک کردن محیط اخلاقی جامعه مطرح شد. موضوع متعه<sup>۱</sup> به  
 عنوان راه، مورد بحث قرار گرفت و اینکه چرا از این راه که اسلام دارد و در دنیا منحصر به فرد  
 است، استفاده نشود. زمینه روانی آن آماده نیست. باید آماده کرد. بحثهایی درباره اقدامات

۱. متعه، نوع خاصی از عقد نکاح است که در آن زن برای مدت معینی در مقابل مهر معین به زوجیت مردی در می‌آید.  
 برای مطالعه در مورد نظرات فقهی امام خمینی (ره) درباره متعه (ازدواج موقت) به کتاب تحریر الوسیله، جلد سوم، صفحه ۵۱۵،  
 دفتر انتشارات اسلامی - ۱۳۶۸ مراجعه نماید.

اقتصادی داشتیم. شام راهمان جا خوردیم و من در همان جا خوابیدم. و مقداری با آقای [عباس واعظ] طبسی صحبت کردیم. قرار شد مشکل سبزوار را با آقایان [علی اصغر باغانی و حسین اهراتی] نمایندگان شهر در رابطه با اختلاف آنها و آقای علوی با فرماندار و رئیس آموزش پرورش حل کنند. ایشان اطلاع داد که زمینی در مشهد در اختیار حزب گذاشته‌اند و سینمایی هم کنار آن زمین خراب شده، که من با تخریب سینما مخالف بودم، ولی کار گذشته است.

## چهارشنبه ۳۰ دی

۲۳ ربیع‌الاول - ۲۰ ژانویه

صبح زود، در دفتر آقای خامنه‌ای با آقای [عباس واعظ] طبسی مذاکرات را ادامه دادیم. راجع به راه افتادن دانشگاهی که ایشان در مشهد، برای علوم دینی ساخته‌اند و سرعت عمل در ساختن و تکمیل فلکه اطراف صحن مطهر و خیلی چیزهای دیگر. خانم دکتر لی از اهالی کره جنوبی - که پزشک طب سوزنی است برای معالجه آقای خامنه‌ای آمد. برای معالجه دست ایشان، از روش طب سوزنی استفاده می‌کند. منظره سوزن گذاردن را تماشا کردم. تقریباً سی سوزن در دستها و پاها و کتف‌های ایشان فرو کرد و مدت هشت دقیقه به همان حال گذاشت. مدعی است که ظرف ده روز درد می‌خوابد و ظرف نه ماه خوب می‌شود. آقای خامنه‌ای می‌گویند، در این پنج روز که کار کرده، درد تخفیف یافته.

ساعت هشت، به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. تفسیر قانون بود، چندسئوال از وزارت بهداشتی را جواب دادیم. قسمت آخر اداره جلسه را به عهده آقای موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و به دفتر رفتم. ظهر به مراجعات پاسخ دادم و گزارشها را خواندم. پس از استراحت عصر، دو مصاحبه خیلی مفصل با کیهان و اطلاعات داشتم<sup>۱</sup>. یک ساعت و ربع با کیهان و دو ساعت و نیم با اطلاعات. مصاحبه گر اطلاعات آقای جلال رفیع هم زندان دوره طاغوت بود و جلسه گرمی داشتیم.

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰.



شب، به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. ستاد انقلاب فرهنگی و نخست وزیر و وزرا بودند. راجع به ادغام وزارت بهداشت و دانشکده‌های پزشکی، به منظور تربیت بیشتر پزشک، بحث بود و طرح آنها تصویب شد. قرار شد دولت به مجلس بفرستند.

سپس جلسه‌ای با مسئولان سپاه برای بحث در حدود وظایف مسئولیتها و اختیارات سپاه داشتیم. آنها اطلاعات کار فرهنگی و بسیج را می‌خواهند. ساعت دوازده شب، کارها تمام شد. شام تخم مرغ خوردیم و من برای خواب به مجلس رفتم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم.



---

بہمن ۱۳۶۰





پنجشنبه ۱ بهمن

۲۵ ربیع الاول - ۲۱ زانویه

صبح زود به مطالعه تفسیر برای جلسه درس مواضع حزب، درباره نبوت، پرداختم. سپس به جلسه علنی رفتم. ادامه بحث در لایحه دیوان محاسبات بود. بخشی از آن تصویب شد. باقیمانده به جلسه بعد افتاد.

آقای اسماعیل معزی نماینده ملایر که پسرش جزو منافقان بوده و [اعدام شده، تعرضاً از مجلس استعفا داده بود. دیروز در هیأت رئیسه، قرار شد استعفای ایشان را مطرح کنیم. ممکن است با کمک به نجات پسر دیگرش که از منافقان است و در درگیری مجروح شده و در بیمارستان است، ایشان را در مجلس نگه داریم. امروز استعفای ایشان را خواندم؛ تا پانزده روز دیگر، وقت پس گرفتن را دارد.

ظهر، در دفترم به مطالعه تفسیر و بحثهای نبوت پرداختم. عصر، درس مواضع را گفتم<sup>۱</sup>. قبل از مغرب، اعضای حزب جمهوری از جهاد همدان آمده بودند، با آنها ملاقات کردم و برایشان صحبت نمودم<sup>۲</sup>.

اول شب، برای شرکت در سمینار فرماندهان سپاه پاسداران به ایادگان<sup>۳</sup> خلیج رفتم. برایشان یک ساعت صحبت کردم؛ آخر صحبت، مصیبت خواندم<sup>۴</sup>. جلسه با حالی بود. بچه‌های خوبی هستند؛ و نیروی عظیمی.

شب به خانه آمدم. اخوی زاده محمد آمد و کار داشت. سپس آقای حسین مرعشی مسئول جهاد کرمان آمد. مطالبی درباره ضعفهای حزب داشت و تذکراتی درباره عملکرد حزب [جمهوری اسلامی، شاخه] کرمان داد. تقاضای فعال کردن آن را داشت.

جمعه ۲ بهمن

۲۶ ربیع الاول - ۲۲ زانویه

برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه‌های نماز، درباره عدالت اجتماعی و اعتراض به

۱ - کتاب هاشمی رفسنجانی - درس مواضع حزب جمهوری اسلامی ۱۳۶۰.

۲ و ۳ - کتاب هاشمی رفسنجانی - سخنرانیهای ۱۳۶۰.